آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۳۲۹
یکشنبه
۱۴۰۴•۱۲•۰۳
۰۴ رمضان ۱۴۴۷ / ۲۲ فوریه ۲۰۲۶

ذره بین

«آرمان ملی» تحولات پرونده هسته‌ای را تحلیل می‌کند

ماراتن ایران و آمریکا برای توافق عادلانه

آرمان ملی: دونالد ترامپ طی روزهای اخیر یک جنگ رسانه‌ای پیچیده را علیه ایران به راه انداخته است. جنگی که هم‌زمان با تحرکات دیپلماتیک و جابه‌جایی‌های نظامی در منطقه پیش می‌رود. حدود یک هفته پیش، او استیو ویتکاف را به ژنو فرستاد تا با عباس عراقچی وارد گفت‌وگو شود. آنگونه که عراقچی پس از پایان مذاکرات اعلام کرد، طرفین بر سر کلیات به تفاهم رسیده و قرار شده برای مشورت با مقامات عالی در پایتخت‌های خود رایزنی کنند. اما به ناگاه خبر دیگری منتشر شد. طبق این خبر طرفین باید آخرین پیشنهادهای خود را به صورت مکتوب برای دور بعدی مذاکرات ارائه دهند. پس از انتشار این خبر، ترامپ اعلام کرد یکماه برای رسیدن به توافق فرصت وجود دارد. با این حال، او در ادامه از همان ضرب‌الاجل عقب نشست و رسانه‌ها به نقل از او نوشتند که تنها چند روز برای ارسال پیشنهادها باقی مانده است. در مقابل، عراقچی جمعه شب اعلام کرد که ظرف دو تا سه روز آینده، بسته پیشنهادی ایران از طریق طرف عمانی به ویتکاف تحویل داده خواهد شد. فشرده‌سازی زمان از سوی ترامپ، در کنار انتقال تجهیزات نظامی آمریکا به منطقه برای تکمیل حلقه تدافعی، نشان می‌دهد که کاخ سفید به دنبال مدیریت هم‌زمان دیپلماسی و فشار میدانی است. این رویکرد دوگانه می‌تواند بیانگر عطش ترامپ برای رسیدن به توافق باشد؛ توافقی که او از آن با عنوان «توافق عادلانه» یاد می‌کند.

عادلانه از نگاه ترامپ

رئیس جمهور آمریکا در حالی از اهرم نظامی برای افزایش فشار استفاده می‌کند که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی تمایلی به ورود به جنگی پرهزینه ندارد. از جمله توصیه مشاوران درباره هزینه‌های احتمالی حمله به ایران و تأثیر آن بر انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، می‌تواند در این تصمیم نقش داشته باشد. از این‌رو، حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران از مسیر توافق، گزینه مطلوب‌تری برای او به نظر می‌رسد. ترامپ اخیرا گفت: «بهتر است ایران برای رسیدن به یک توافق عادلانه مذاکره کند»، اما پرسش اساسی این است که تعریف آمریکا از توافق عادلانه چیست؟ به نظر می‌رسد کف خواسته واشنگتن، توقف کامل یا به تعبیر دیگر «غنی‌سازی صفر درصدی» در ایران باشد؛ مطالبه‌ای که بارها از سوی مقامات آمریکایی مطرح شده است. اگر چنین تعریفی مبنای توافق باشد، اصل مذاکره از منظر حقوقی با چالش جدی مواجه است. زیرا بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، کشورهای عضو حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی تحت نظارت را دارند. در چنین شرایطی، آنچه ترامپ از آن به‌عنوان توافق عادلانه یاد می‌کند، اگر مبتنی بر حذف کامل ظرفیت غنی‌سازی ایران باشد، بیشتر به یک توافق تحمیلی شباهت دارد تا توافقی مبتنی بر موازین حقوق بین‌الملل و عادلانه موردی که ایران زیر بار آن نرفته و نخواهد رفت.

عادلانه از منظر ایران

در سوی مقابل، همزمان با افزایش فشارهای رسانه‌ای، نظامی و دیپلماتیک آمریکا، تهران موضع خود را درباره حق غنی‌سازی شفاف اعلام کرده است. عباس عراقچی تصریح کرد که ایران از حقوق هسته‌ای خود عدول نخواهد کرد. استدلال ایران نیز مبتنی بر همان چارچوب حقوقی NPT و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که به کشورهای عضو اجازه غنی‌سازی تحت نظارت را می‌دهد. ایران پیش‌تر برای رفع نگرانی‌های غرب، توافق برجام را پذیرفت. توافقی که در زمان خود از سوی بسیاری یک توافق متوازن و عادلانه توصیف شد. با این حال خروج یک‌جانبه ترامپ از برجام و عمل نکردن اروپا به تعهدات اقتصادی بی‌اعتمادی عمیقی را در تهران ایجاد کرد. اکنون نیز ایران اعلام کرده آماده مذاکره درباره چارچوب‌های فنی و نظارتی است و حتی حاضر است بالاترین سطح همکاری با آژانس را بپذیرد. فراتر از آن، پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم غنی‌سازی در داخل ایران، حتی با حضور شرکت‌های خارجی و آمریکایی، نشان می‌دهد که تهران به دنبال راه‌حل‌های خلاقانه برای تضمین شفافیت و در عین حال حفظ حقوق هسته‌ای خود است. چنین ابتکاری می‌تواند نقطه تلاقی دو نگاه متفاوت باشد؛ اگر اراده سیاسی در واشنگتن وجود داشته باشد.

چه خواهد شد!

تحولات اخیر نشان می‌دهد که مذاکرات ایران و آمریکا در مرحله‌ای حساس قرار گرفته است. از یک سو شتاب ترامپ در تعیین ضرب‌الاجل‌های کوتاه و هم‌زمان تقویت آرایش نظامی آمریکا در منطقه بیانگر استفاده از استراتژی «فشار برای امتیازگیری» است. از سوی دیگر تهران بر حفظ حقوق هسته‌ای خود تأکید دارد اما در عین حال، آمادگی برای ارائه پیشنهاد مکتوب و ورود به گفت‌وگوهای فنی را نشان داده است. اگر «توافق عادلانه» به معنای توازن میان حقوق و تعهدات باشد، مسیر دستیابی به آن از دل واقع‌گرایی و احترام متقابل می‌گذرد، نه از مسیر ضرب‌الاجل‌ها و تهدیدهای نظامی. اکنون پرسش اصلی این است که آیا دو طرف می‌توانند تعریف مشترکی از عدالت در توافق ارائه دهند یا فشارهای سیاسی و محاسبات داخلی در آمریکا، روند دیپلماسی را با مانع جدیدی روبه‌رو خواهد کرد؟ پاسخ این پرسش، آینده پرونده هسته‌ای را تعیین خواهد کرد.

«آرمان ملی» روند رد صلاحیت نامزدهای شورای شهر را بررسی می‌کند

پیش‌لرزه‌های انتخاباتی شوراها

محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: با این شرایط نتیجه انتخابات قابل پیش‌بینی است

آرمان ملی- حمید شجاعی: شاید اگر برای شرایط امروز جامعه ایران بخواهیم واژه‌ای پیدا کنیم نارضایتی واژه مناسبی باشد که در عین سادگی همه ابعاد نگاه جامعه به مسائل مختلف را پوشش می‌دهد. نگاهی به شرایط سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و... طی ماه‌های گذشته نشان می‌دهد که جامعه کمتر سویه‌های امیدوارکننده‌ای را که بخواهد نسبت به تغییر وضعیت زندگی و افق پیش‌رو دلگرم شود، مشاهده می‌کند و روند امور نیز به نحوی پیش می‌رود که انگار قرار نیست در حوزه‌های مختلف شاهد تغییر نگرش یا گشایشی باشیم. قدر مسلم امروز مشکلات اقتصادی و معیشتی نخستین موضوعی است که بر زندگی مردم سایه افکنده و گذران زندگی را برای آنها مشکل و بغرنج نموده است. شاید هیچکس تصورش را هم نمی‌کرد که در این عصر زندگی کالابرگ را تجربه کند اما به جهت برخی عملکردها و شرایط موجود این وضعیت را نیز تجربه کرده است. شرایطی که به واقع زمینه‌ساز و زمینه‌پرور اتفاقات و تحولات بعدی نیز شده است.

چنانکه اگر بگوییم اعتراضات دی ماه و اتفاقات پس از آن که منجر به حوادث ناگوار و دلخراشی برای کشور و جامعه شد همه به جهت همین شرایط اقتصادی بغرنج و پریشان بود، سخنی به گزافه نرفته است. حال طبیعی است که در چنین شرایطی که جامعه همچنان ملتهب از اتفاقات دی ماه است به جای برخی فرآیندها باید به سمت بازیابی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی حرکت کرد و این مهم نیز مگر با اصلاح برخی عملکردها، تصمیم‌ها و اقدام‌ها حاصل نمی‌شود. جامعه می‌خواهد تغییر رو بهبود در حوزه‌های مختلف را نه فقط در وعده و شعار که به صورت عملی ببیند. اما شاهد فرآیندهایی هستیم که نه تنها در مسیر بازیابی و تقویت اعتماد لطمه دیده و سرمایه اجتماعی ریزش کرده و حرکت نمی‌کند بلکه صرفا بر همان روال سابق پیش می‌رود گویی اینکه هیچ اتفاقی نیفتاده و جامعه نیز نسبت به بسیاری از اتفاقات ناراضی است و گلایه دارد. گرچه در این میان فرآیندهای مهمی وجود دارند که شرایط و زمانه بر روی آنها تاثیر گذاشته و آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. یکی از این فرایندها انتخابات است. حال چه انتخابات ریاست جمهوری باشد، چه خبرگان و چه شوراها بعضی اتفاقات تاثیرات مثبت یا منفی خود در این فرآیند می‌گذارند. اتفاقات شوراها در یازدهم اردیبهشت سال آینده از این قاعده مستثنی نیست. لذا به نظر می‌رسد که بیش از چگونگی برگزاری یا حضور در این انتخابات باید چگونگی مواجهه جامعه با این فرایند را تعریف کرد و به درستی به نوع نگرش جامعه در این خصوص دست یافت.

تکرار رویه اشتباه

امروز به جرأت می‌توان گفت مساله انتخابات پیش‌روی شوراها جزو ۱۰ مساله مهم و مدنظر جامعه نیست و با اتفاقات رخ داده اخیر جامعه حداقل در شرایط کنونی وقع چندانی به این مساله نمی‌نهد، هیچ اکت یا واکنشی نسبت به تحولات پیرامون این حوزه ندارد. این نوع رویکرد به احتمال فراوان منجر به کاهش مشارکت خواهد شد. از همین رو طی چند ماه گذشته بارها گفته شد که باید در این فرآیند بسیار دقیق عمل کرد تا حداقل نگاه جریانات و جامعه بیش از این بدین فرآیند تخریب نگردد. با این حال روزگذشته مشخص شد که اساسا اتفاقات و تحولات اجتماعی بر تصمیمات و اقدامات تاثیر خاص و بسزایی نمی‌گذارد. جایی که پس از فعل و انفعالات صورت گرفته تهران، بررسی صلاحیت ۵۰۴۴ داوطلب عضویت در شورای اسلامی شهر تهران به پایان رسید. در حوزه انتخابیه تهران، ری و تجریش صلاحیت ۴۸۷۵ نفر از ثبت‌نام‌کنندگان تایید شده و صلاحیت ۱۶۴ نفر نیز مورد تایید قرار نگرفت. شاید این عددها در نگاه اول آمار بسیار خوبی باشد و نشان از نگاه همه جانبه به همه جریانات سیاسی و شهروندان باشد، اما وقتی رد صلاحیت شده‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم تازه درمی‌یابیم که داستان از چه قرار است و چه نگاهی پشت ماجرای رد صلاحیت‌ها بوده است. به جای اینکه با توجه به شرایط کنونی فضا را باز شده و تلاش شود با حضور همه چهره‌ها از جریانات سیاسی مختلف مقداری جامعه به مشارکت ترغیب گردد رویه سابق پیش گرفته شده و بازهم شاهد رد صلاحیت‌های جهت‌دار هستیم.

این رد صلاحیت‌ها نه تنها جریان اصلاح‌طلب که اصولگرایان منتقد را نیز شامل شده و برخی از آنهایی که در دوره ششم منتقد زاکانی، شهردار تهران بوده‌اند زیر تیغ رد صلاحیت رفته‌اند تا خالص‌سازی بیش از گذشته انجام شود. ماجرا جایی جالب‌تر می‌شود که بدانیم سه عضو هیأت نظارت بر انتخابات رضا تقی‌پور انوری، ابوالقاسم جراره و مالک شریعتی نیاسر نمایندگانی هستند که قرابت ویژه‌ای با تندروهای اصولگرا به‌ویژه جبهه پایداری دارند.

در چنین شرایط و رویه‌ای دیگر حاجت به گفتن نیست که اکثریت کاندیداهای اصلاح‌طلب مثل نادره رضایی، علی پیرحسین‌لو، مهدی شیرزاد، اسماعیل گرامی‌مقدم، علی تاجرنیا، محمد خون‌چمن، ابوالفضل رضوی، اسماعیل دوستی، حبیبه گلرخ، حسن فایضی، مینو خالقی و... رد صلاحیت شده‌اند. پرسش این است که اگر قرار است اصولگرایان به ویژه تندروها به وزن‌کشی درون جریان خود بپردازند و بقیه را حذف کنند، اساسا برگزاری انتخابات چه معنایی می‌دهد؟ لیستی تهیه کنند و همان‌ها به شورا بروند. اینگونه دیگر نه وقت مردم و بسیاری افراد برای انتخابات گرفته می‌شود و نه هزینه‌ای برای انتخابات شده است.

وزن‌کشی تندروها

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص رد صلاحیت‌های انتخابات شوراهای شهر به روال گذشته اظهار داشت: من وقتی با اسامی کاندیدای رد صلاحیت شده مواجه شدم که احتمالا تعداد خیلی زیادی هم باشند توئیتی منتشر کردم که این رد صلاحیت‌هایی که به‌صورت تندتر در انتخابات مجلس اتفاق افتاد، نتیجه‌اش همین مجلس چند درصدی است که می‌بینیم الان مجددا در حال رخ‌دادن در انتخابات شوراها است.

محمد مهاجری به «آرمان ملی» گفت: حتی اگر این رد صلاحیت‌ها نبود برخی از برآوردها نشان از میزان مشارکت بسیار پایین دارد اما حال که رد صلاحیت می‌کنید چرا انتخابات برگزار می‌کنید؟ همین افراد حاضر را یک دوره تمدید کنید یا یکسری افراد دیگر را برای شوراها منصوب کنید. این فعال رسانه‌ای بیان کرد: این کارها واقعا بیشتر مردم را عصبانی می‌کند و اصلا اعتراضات و خشم مردم ناشی از همین رفتارهایی است که اصلا از آن درس نمی‌گیریم. اگر مجددا اتفاق دیگری رخ دهد این مسئولان چگونه می‌خواهند خود را از اتفاقات تلخ تبرئه کنند؟ اصلا وزیر کشور داریم؟ ببینند چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. من پیشنهادم این بود که انتخابات شوراها در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر شش ماه به تعویق بیفتد روی افکار عمومی کار شود و مقداری اعتماد ایجاد گردد، وضعیت معیشتی مردم بهتر شود تا به انتخابات دلگرم شوند.

با این کارهایی که انجام می‌شود دائما روی زخم مردم نمک می‌پاشند و زمینه نارضایتی بیشتر را فراهم می‌کنند. وی تصریح کرد: دنبال این هستند که دعوای داخلی جریان تندرو اصولگرا را به وزن‌کشی بین خودشان برسانند. جریان آقای قالیباف، زاکانی، بذرپاش و... دنبال وزن‌کشی بین خودشان هستند. دنبال این هستند که با رسیدن به کرسی‌های شورا برای انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بعدی فضای سیاسی ایجاد کنند. واقعا با این وضعیتی که در حال رقم‌زدن آن هستند، جز ایجاد نارضایتی بیشتر در جامعه بازتاب و بازدهی نخواهد داشت. مهاجری تاکید کرد: نتیجه انتخابات از هم‌اکنون معلوم است و اگر لیست کاندیداها را اعلام کنند از همین الان می‌توان ۹۰ درصد پیش‌بینی کرد که چه کسانی قرار است وارد شورای شهر هفتم شوند.

«آرمان ملی» از لزوم تلاش برای انسجام داخلی گزارش می‌دهد

اجماع سیاسی برای منافع ملی

آرمان ملی- گروه سیاسی: بعد از جنگ ۱۲ روزه بین ایران و آمریکا- اسرائیل که در خردادماه درگرفت، سایه جنگ همچنان بر سر منطقه سنگینی می‌کند، اکثریت طیف‌های سیاسی در داخل غیر از تندروها، در طیف‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی به دنبال انسجام داخلی هستند تا در ادامه بتوانند با تعاملی که بین جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شکل می‌گیرد، به راه‌حل‌های مناسب اقتصادی، بین‌المللی و اجتماعی برسند؛ ولی آنچه همچنان اصلی‌ترین چالش این انسجام محسوب می‌شود شکاف به‌وجود آمده بین مردم و مسئولان است که در ماه‌های اخیر و به خصوص بعد از التهابات دی ماه نه‌تنها گرهی از مشکلات باز نشده بلکه همچنان شاهد افزایش قیمت‌ها به‌خصوص در کالاهای اساسی هستیم. برکسی پوشیده نیست که تنها راه عبور از این موانع که بسیاری از آنها ریشه در سیاست خارجی دارد انسجام داخلی است. در حالی‌که تیم سیاست خارجه که متشکل از دیپلمات‌های باتجربه است و این روند همه نظام را درگیر خود کرده است لزوم آرامش در داخل را نشان می‌دهد، ولی با این حال برخی از گروه‌ها و جبهه‌های سیاسی تلاش دارند تا منافع خود و اطرافیان‌شان را در دستور کار قرار دهند. فراموش نکنیم غیر از تحریم‌های آمریکا باید بگوییم که سیاست‌های اقتصادی- سیاسی که از سوی آنچه کاسبان تحریم نام دارند، دنبال می‌شود، باعث افزایش موانع اقتصادی شده‌اند تا جایی که طبقات مختلف جامعه با مشکلات معیشتی روبه‌رو هستند. ناگفته نماند که تلاش‌ها برای کنار رفتن اختلاف‌ها و چالش‌های اقتصادی همچنان ادامه دارد تا بتوان تا کوتاه‌ترین مدت شکاف ایجاد شده را برطرف کرد. در این مورد و با تاکید بر لزوم انسجام داخلی برخی چهره‌های سیاسی پیشنهاداتی را ارائه داده‌اند که در ادامه می‌خوانید.

تاکید بر مسیر مدنی

در این بین برخی از طیف‌های سیاسی و احزاب فعال تلاش دارند تا برای بهبود فضای سیاسی داخل و کاهش فاصله این نهادهای سیاسی با شهروندان میسرهای مدنی را پیشنهاد دهند. محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت دوازدهم در مورد اینکه وظیفه تاریخی حزب اعتدال و توسعه در برابر مردم چیست؟ و چگونه باید در رفع خطر جنگ، صیانت از استقلال کشور، پاسداشت آزادی‌های مدنی و قانونی و نیز در مسیر توسعه و رفاه جامعه نقش‌آفرینی کند؟ به خبرآنلاین گفت: «هرچند کنگره حاضر حزب با دستور کار تعیین شده، فرصت مناسبی برای پاسخ تفصیلی به این پرسش‌ها فراهم نمی‌آورد، اما یادآوری تجربه سال ۱۳۹۲ ضروری است. سالی که پس از فشارهای ناشی از شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران و اعمال تحریم‌های گسترده و اجرای سیاست موسوم به نفت در برابر غذا که متاسفانه در آن زمان اقلیتی این قطعنامه‌ها را کاغذپاره می‌خواندند، اقتصاد ایران با تورم نقطه به نقطه ۴۸ درصدی، رشد اقتصادی منفی ۸/۶ درصدی و کاهش بیش از ۴۰ میلیارد دلاری حساب سرمایه در کمتر از سه سال مواجه بود. حزب اعتدال و توسعه در آن مقطع، با ایفای نقشی تاریخی از طریق نامزد ریاست جمهوری خود و با پشتیبانی از اعلام و اجرای راهبرد «تعامل مؤثر و سازنده» در عرصه روابط بین‌الملل، اهتمام به حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی و قانونی در مناسبات داخلی، و مشارکت فعال در مدیریت اجرایی کشور، توانست با اقدامات سنجیده و جلب اکثریت مطلق آرای مردم در مشارکت ۷۳ درصدی، شرایطی فراهم آورد که ضمن رفع نسبی تحریم‌های اقتصادی، تهدید جنگ از ایران دور شود».

نیاز به فهم مشترک

همچنان که با تهدیدهای جنگی از سوی آمریکا روبه‌رو هستیم و چالش‌های اقتصادی داخلی و اعتراض‌ها هم همچنان ادامه دارد بازهم برخی از نماینده‌های مجلس در تلاش برای اجماع سیاسی با محوریت منافع ملی هستند. در این مورد احمد انارکی، عضو فراکسیون مستقلین ولایی مجلس، با اشاره به اهمیت وفاق و اتحاد ملی در کشور و دوری از دوقطبی به ایسنا گفت: «امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به یک فهم مشترک از مشکلات احتیاج دارد فهمی که مبتنی بر منافع ملی، کاهش تنش‌های درونی و پرهیز از رقابت‌های فرسایشی باشد. اگر همه جریان‌های سیاسی، دستگاه‌ها و قوای سه‌گانه به‌جای هم‌افزایی در مسیر تقابل با یکدیگر حرکت کنند، خروجی آن چیزی جز تشدید مشکلات نخواهد بود. انسجام ملی تنها با شعار شکل نمی‌گیرد؛ چراکه انسجام ملی محصول رفتار مسئولانه، صداقت در گفتار و شفافیت در تصمیم‌گیری است. مردم زمانی احساس همراهی می‌کنند که ببینند مسئولان صدای آنان را می‌شنوند، مطالبات‌شان را جدی می‌گیرند و در برابر تصمیم‌های خود پاسخگو هستند. وحدت در حل مشکلات کشور نقش اساسی دارد، باید همه جریان‌های سیاسی کشور فارغ از تمامی اختلافات سیاسی، حول منافع کشور به اجماع برسند. اتحاد واقعی زمانی شکل می‌گیرد که هم دولت و هم سایر ارکان حاکمیت خود را موظف به ترمیم اعتماد آسیب‌دیده جامعه بدانند و از تصمیم‌هایی که فشار مضاعف بر مردم وارد می‌کند، پرهیز شود. اگر با رویکردی عقلانی، منعطف و مردم‌محور حرکت شود و پیام همدلی و مسوولیت‌پذیری را به جامعه منتقل کرد، بی‌تردید انسجام ملی تقویت خواهد شد و کشور با هزینه‌ای کمتر و پشتوانه‌ای قوی‌تر از چالش‌های پیش‌رو عبور خواهد کرد».

گزارش

پیش‌نویس تهران

برگ برنده دیپلماسی یا آخرین تلاش قبل از جنگ؟

مذاکرات ایران و آمریکا دوباره به نقطه‌ای رسیده که همزمان می‌توان آن را «فرصت» و «لبه پرتگاه» توصیف کرد. رویداد ۲۴ نوشت؛ از یک‌سو خبر دیدارهای غیرعلنی و تهیه پیش‌نویس توافق منتشر می‌شود و از سوی دیگر، گزارش‌هایی درباره افزایش فشار نظامی و ضرب‌الاجل‌های سیاسی روی میز قرار دارد. پرسش اصلی، اما این است: در این شرایط، چقدر می‌توان به ادامه مذاکره امید داشت و آیا پیش‌نویس ایران می‌تواند معادله را تغییر دهد؟

فشار با چاشنی انعطاف

گزارش اخیر آکسیوس به نقل از یک مقام آمریکایی، از پیامی صریح به تهران حکایت دارد مبنی بر اینکه موضع دونالد ترامپ توقف غنی‌سازی در داخل ایران است. این پیام از سوی استیو ویتکاف و جرد کوشنر به طرف ایرانی منتقل شده؛ چهره‌هایی که حضورشان نشان می‌دهد پرونده ایران مستقیما در سطح حلقه نزدیک به رئیس جمهور آمریکا مدیریت می‌شود.

اما همین روایت آمریکایی یک لایه پنهان هم دارد. برخی منابع غربی همزمان از بررسی «گزینه‌های انعطاف‌پذیرتر» سخن می‌گویند؛ از جمله محدودسازی سطح و حجم غنی‌سازی به جای توقف کامل آن. این دوگانه - اعلام رسمی غنی‌سازی صفر و بررسی سناریوهای میانه- نشان می‌دهد واشنگتن هنوز تصمیم نهایی را نگرفته و در حال سنجش واکنش تهران است. به بیان دیگر، آمریکا با یک دست فشار می‌آورد و با دست دیگر روزنه مذاکره را نیمه‌باز نگه می‌دارد.

ابتکار عمل

در سوی مقابل، عباس عراقچی از آماده‌شدن پیش‌نویس توافق خبر داده است؛ سندی که قرار است چارچوب پیشنهادی ایران برای حل اختلاف‌ها باشد. اهمیت این پیش‌نویس در این است که تهران از موضع واکنشی فاصله‌گرفته و تلاش کرده ابتکار عمل را در دست بگیرد. ایران به‌طور رسمی توقف غنی‌سازی را رد کرده، اما همزمان تأکید دارد که آماده ارائه تضمین درباره صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای است.

این همان نقطه‌ای است که می‌تواند محل چانه‌زنی باشد: نه «تعلیق کامل»، نه «وضعیت فعلی بدون تغییر»؛ بلکه یک مدل کنترل‌شده با نظارت‌های فنی و محدودیت‌های قابل مذاکره. اما آیا این پیش‌نویس می‌تواند فضای متشنج کنونی را تغییر دهد؟

زمان محدود

مذاکرات با میانجیگری عمان در مسیرهای غیرمستقیم ادامه دارد و برخی نشست‌ها در ژنو برگزار شده است. اما همزمان گزارش‌هایی از تحرکات نظامی آمریکا در منطقه منتشر می‌شود؛ اخباری که عملا فضای روانی مذاکرات را سنگین می‌کند.

واقعیت این است که دیپلماسی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. هرچه تهدید نظامی پررنگ‌تر شود، دست تیم‌های مذاکره‌کننده برای انعطاف سیاسی بسته‌تر می‌شود. در واشنگتن، مخالفان هرگونه توافق با ایران فعال هستند و در تهران نیز هر نشانه‌ای از عقب‌نشینی می‌تواند هزینه داخلی داشته باشد. به همین دلیل، پیش‌نویس ایران اگر بخواهد مؤثر باشد، باید دو ویژگی همزمان داشته باشد.

اول: اینکه امکان پذیرش از سوی آمریکا را داشته باشد، دوم: اینکه در داخل و مقابل طیف رادیکال قابل دفاع باشد. ترکیب این دو شرط نیز اصلا ساده نیست.

امید یا ناامیدی؟

اگر از هیاهوی رسانه‌ای فاصله بگیریم، چند نشانه نشان می‌دهد مسیر مذاکره هنوز بسته نشده است؛ به هر حال هنوز تماس‌ها ادامه دارد و کانال‌های ارتباطی فعال هستند. هیچ‌کدام از طرفین رسما اعلام خروج از روند گفت‌وگو نکرده‌اند و بحث بر سر «جزئیات» است، نه اصل مذاکره. ضمن اینکه ترامپ هنوز مجوز حمله نظامی به ایران را از کنگره نگرفته است. این یعنی هنوز اراده سیاسی برای آزمودن مسیر توافق وجود دارد. اما در عین حال، اختلاف بر سر ماهیت غنی‌سازی یک اختلاف بنیادی است، نه صرفا فنی. برای آمریکا، توقف یا محدودسازی شدید غنی‌سازی نماد کنترل برنامه هسته‌ای ایران است. همچنان که حفظ آن برای تهران نماد حاکمیت و استقلال فناوری است. عبور از این تعارض نمادین دشوارتر از حل اختلاف‌های عددی و فنی است.

فرصت محدود

در این شرایط، پیش‌نویس ایران می‌تواند «برگ برنده» باشد، به شرطی که بتواند چارچوبی ارائه کند که به واشنگتن امکان اعلام پیروزی بدهد، بدون آنکه تهران احساس عقب‌نشینی راهبردی و شکست کند.

اگر چنین توازنی شکل بگیرد، مذاکرات می‌تواند وارد مرحله نهایی شود. اما اگر پیش‌نویس صرفا بازنویسی مواضع پیشین باشد، احتمالا به بن‌بست سرعت می‌بخشد. در حال حاضر، دیپلماسی هنوز نفس می‌کشد؛ اما زیر فشار زمان، تهدید نظامی و رقابت‌های داخلی. امید به توافق وجود دارد، اما این امید «محدود و مشروط» است.

آینده مذاکرات نه در شعارها، بلکه در ظرافت خطوطی رقم می‌خورد که در متن پیش‌نویس ایران نوشته خواهد شد و شاید همه چیز به همان چند جمله کلیدی بستگی داشته باشد: اینکه غنی‌سازی چگونه تعریف شود، چگونه محدود شود و چه تضمینی پشت آن قرار گیرد.